[خطبه‌ی اول 3](#_Toc465175460)

[تفسیر سوره‌ی ناس؛ کلمه‌ی قُلْ 4](#_Toc465175461)

[تاثیر روانی ذکر و دعای زبانی 4](#_Toc465175462)

[تاثیر اجتماعی شعارهای دینی 4](#_Toc465175463)

[گفتن، یکی از شیوه‌های تربیتی 5](#_Toc465175464)

[نقش مهم زبان در سعادت و شقاوت انسان 5](#_Toc465175465)

[تفسیر کلمه‌ی أَعُوذ 6](#_Toc465175466)

[مقایسه‌ی دو کلمه‌ی أَعُوذ و نَسْتَعين‏ 6](#_Toc465175467)

[وجه تمایز این دو کلمه 6](#_Toc465175468)

[ارکان اصلی استعاذه 7](#_Toc465175469)

[لزوم درک خطرهای روحی و جسمی در پناه‌ بردن (ع)](#_Toc465175470)

[سه اعتقاد نهفته در پناه بردن (ع)](#_Toc465175471)

[پیامبر اکرم(ص) پناه ‌برنده‌ی اصلی به پروردگار 9](#_Toc465175472)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc465175473)

[شهادت امام جعفر صادق(ع) 10](#_Toc465175474)

[امام صادق(ع) و گنجینه‌ی غنی شیعه 10](#_Toc465175475)

[رابطه‌ی مذهب جعفری با امام صادق(ع) 11](#_Toc465175476)

[روز جهانی معلولان 11](#_Toc465175477)

[لزوم جداسازی معلولان جسمی از معلولان ذهنی 11](#_Toc465175478)

[وظیفه‌ی معلولان در قبال خود 12](#_Toc465175479)

[وظیفه‌ی جامعه و مسئولان در قبال معلولان 12](#_Toc465175480)

[تامین نیازهای شغلی، فرهنگی معلولان 13](#_Toc465175481)

[رعایت مسائل بهداشتی و ژنتیکی 13](#_Toc465175482)

[خودکفایی گندم و اهمیت آن 13](#_Toc465175483)

[ادامه‌ی روند خودکفایی در سایر محصولات صنعتی و کشاورزی 13](#_Toc465175484)

[وضعیت تولیدات کشاورزی در شهر 14](#_Toc465175485)

[عدم همکاری مسئولین استانی در احداث کتابخانه‌ی مرکزی 14](#_Toc465175486)

[اورژانس منطقه‌ی ده‌آباد 14](#_Toc465175487)

[**دعا** 15](#_Toc465175488)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## تفسیر سوره‌ی ناس؛ کلمه‌ی قُلْ

بحث ما در تفسیر سوره‌ي ناس بود و عرض كرديم كه اين سوره با امر به پيامبر اكرم(ص) با تعبير قل شروع شده است. خداوند به پيامبر اکرم(ص) خطاب مي‌كند كه بگو.

### تأثیر روانی ذکر و دعای زبانی

این‌یکی از امور مهمي بود كه اشاره كرديم كه خود گفتن، خيلي از مسائل و خواندن دعا يا اذكار، در روح و روان انسان تأثیر دارد و در عالم خارج و تكوين مؤثر است. حرف‌ها و گفته‌هاي ما در عالم باقي مي‌ماند. آثار تشريعي و تكويني دارد و به‌خصوص جاري كردن اذكار و دعاها به زبان داراي تأثیر زيادي است. درست است كه ما وقتی‌که استغفار مي‌كنيم، دعا مي‌خوانيم و ذكري بر زبان جاري مي‌كنيم ارزش آن به اين است كه قلب ما هم متوجه باشد. در قلب ما هم خبري باشد و چيزي به زبان بيايد. گفته‌اي كه لغلغه‌ي زبان باشد و بر قلب و فهم انساني مبتني نباشد، داراي ارزشي زيادي نيست. وقتی‌که انسان استغفار مي‌كند حقیقتاً بايد روح و جان او، روح خدايي باشد و از گناه و آلودگي پشيمان باشد و بعد به زبان جاري كند. بنابراين گفته‌هاي ما هنگامي ارزش دارد كه در قلب ما هم خبري باشد هماهنگ باروح و روان و شخصيت ما باشد. اگر توفيقي پيدا كرديم و شب جمعه‌اي دعاي كميل خوانديم ارزش واقعي آن به اين است كه در دل ما هم خبري باشد. در وجود و روح و قلب ما هم توجه به خدا توسل و تمسك به خدا، وجود داشته باشد و آن‌وقت هم به زبان جاري كنيم؛ اما درعین‌حال خود گفتن هم آثاري دارد كه هفته‌ي گذشته هم به آن اشاره كرديم كه ازنظر روحي و رواني، به زبان آوردن دعا، ذكر، شعائر و مناسك هم تأثیر دارد.

### تأثیر اجتماعی شعارهای دینی

علاوه بر تأثیر رواني، تأثیر اجتماعي هم دارد. به زبان آوردن و شعار دادن يك فعاليت اجتماعي است و تأثیر دارد. در سوره‌ي كافرون خداوند پيامبر را امور كرده كه «**قُلْ يَأَيهُّا الْكَفِرُونَ\* لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُون**»[[4]](#footnote-4)‏ پيامبر، بگو. يعني موضوع خود را رسماً اعلام كن. اين در جامعه اثر دارد. اعلام مواضع ديني، اجتماعي، سياسي امري است كه مؤثر است و در مواردي از قرآن كريم هم پيامبر اكرم(ص) امور به اعلام شده است. در آيه‌ي غدير و آيه‌ي ولايت، خداوند به پيامبر خطاب كرد يا «**أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّك**‏»[[5]](#footnote-5) پيامبر، تو امور هستي كه اين رسالت خدا را ابلاغ كني و فرياد بزني و پيام خداوند را به جامعه ابلاغ كني. بنابراين ضمن این‌که ما در دعا و دين و ايمان و ذكر، قلبي بايد داشته باشيم كه باور داشته باشد و متوجه خداوند هم باشد و ايمان و اعتقاد داشته باشد و ارزش همه‌ي كارها هم به اين پايه‌ي اصلي است.

### گفتن، یکی از شیوه‌های تربیتی

خشت اصلي هماهنگی قلب و روح با زبان و گفتار است و رسوخ ايمان در قلب انسان است؛ اما درعین‌حال مقوله‌ي گفتن و حرف زدن و خواندن و امثال اين‌ها از نظر روحي و رواني آثار مهمي دارد. این‌که انسان حرف خوب بزند و دعا و ذكر بگويد، روح را منقلب مي‌كند و در قلب انسان تأثیر مي‌گذارد. خواندن نماز و ذكر، درجاتي دارد ولي در حداقل آن اين است كه توجهي در قلب ايجاد مي‌كند. اين تأثیری است كه حرف‌ها و گفته‌هاي ما در قلب مي‌گذارد. گفته‌هاي ما هم در مسائل سياسي و اجتماعي هم تأثیر دارد. آثار تشريعي و تكويني كه به گفته‌ها مترتب است و لذا يكي از روش‌هاي خودسازي، يكي از روش‌هاي اصلاح نفس، يكي از شيوه‌هاي تربيتي، گفتن است. ازاین‌جهت است كه در اين آيه و آيات ديگر قرآن كريم خداوند به پيامبر امر مي‌كند كه بگو. خود گفتن يك روش تربيتي است. خصوصاً این‌که تبيين و القاء به نفس است. این‌که انسان به خود اذكار خوب را به خود تلقين كند و به خود بگويد كه آثار مهم اخلاقي و تربيتي دارد.

### نقش مهم زبان در سعادت و شقاوت انسان

اين سوره با امر به گفتن و استعاذه شروع شده است. بنابراين خواندن دعا، مناجات، ذكر و نوافل، مستحبات و تبليغ اسلام، ارشاد و هدايت ديگران همه‌ي اين‌ها زبان خيلي كاربرد دارد. اين عضو بسيار كوچك در بدن انسان، هم در قلمرو گناه و معصيت ميدان وسيعي دارد كه بيش از هفتاد گناه با زبان گره خورده است و همین‌طور يك بال ديگري دارد كه بسياري از عبادات و تكاليف و وظائف واجب و مستحب ما در قلمرو و ميدان زبان قرارگرفته است. ما قرآن را كه مي‌بينيم، با كلمه‌ي قول يا تبليغ يا دعا يا خيلي كلمات ديگر، پيامبر يا مردم به تكليفي موظف شده‌اند كه زبان در آنجا نقش كليدي دارد. اين نشان‌دهنده‌ي اهميت بسيار مهم نقش زبان است كه در كتب اخلاقي خيلي راجع به آن بحث شده است. حتماً ما هم شنيده‌ايم كه چقدر زبان در زندگي ما تأثیر دارد. در این‌که روح ما را بسازد و بيدار كند يا روح ما را كدر يا ظلماني كند. اين نقشي است كه حرف ما به وجود ما برمي‌گرداند و نقشي كه زبان براي گمراهي يا هدايت ديگران در جامعه دارد. نقشي كه زبان در مقابله‌ي با دشمنان در دادن شعار و اعلان مواضع دارد. خود شعار يكي از عمل‌هاي بسيار مهم اجتماعي در اسلام است. خود پيامبر اكرم در جنگ‌ها و بسياري از مواضع شعاري را به ياران ياد مي‌دادند كه شما اين شعار را بدهيد.

حالا اين سه سوره‌اي كه با قل شروع شده است، در سوره‌ي فلق و ناس به پيامبر مي‌فرمايد پناه بردن به خدا را به زبان جاري كن. بعداً مي‌گوييم كه اصل پناه بردن به خدا در دل است اما مأمور به زبان جاري كردن هم هستند. سوره‌ي كافرون در آنجا پيامبر مامور شده تا موضع اجتماعي سياسي و ديني خود را در برابر كفار، اعلام كند. «**قُلْ يَأَيهُّا الْكَفِرُونَ\* لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُون\* وَ لَا أَنتُمْ عَبِدُونَ مَا أَعْبُد**»[[6]](#footnote-6)‏ بگو من آنچه را كه شما مي‌پرستيد را نمي‌پرستم. شما هم بنا نیست كه با من همراهي كنيد؛ پس مرز ما از هم جدا شد. اين موضع سياسي اجتماعي را بايد پيامبر اسلام اعلام كند. اين چند مبحث در باب كلمه‌ي قل بود.

## تفسیر کلمه‌ی أَعُوذ

دومين كلمه در اين سوره، اعوذ هست. اعوذ از ماده‌ي عوذ گرفته شده كه معناي ساده‌ي آن، پناه بردن است و اصل آن هم بنا بر آنچه در برخي از كتب لغت آمده، عوذ و استعاذه به معناي اين بوده كه انسان به چيزي بچسبد و نزديك به چيزي شود. وقتی‌که انسان پناه مي‌برد درواقع به او پناه مي‌برد. پناه بردن درواقع مثل اين است كه كودكي در خانه با خطري مواجه مي‌شود. چطور به سمت مادر مي‌رود و از او كمك مي‌خواهد و خود را در تحت حمايت مادر قرار مي‌دهد. اين همان استعاذه و پناه بردن است. عوذ و استعاذه به معناي پناه بردن يا پناه دادن است كه اصل آن، از نزديك شدن به چيزي و چسبيدن به چيز ديگري براي كمك گرفتن و نجات يافتن است. اين استعاذه است.

### مقایسه‌ی دو کلمه‌ی أَعُوذ و نَسْتَعين‏

در اين معنا و مفهوم استعاذه و پناه بردن، نكته‌اي نهفته است و آن نكته اين است كه انسان در مواقع خطر، به عاملي پناه مي‌برد كه او را كمك كند و نجات دهد. در اينجا دو كلمه‌ي قرآني را باهم مقايسه مي‌كنم و آن‌وقت کاملاً متوجه مي‌شويم كه معناي استعاذه يعني چه. ما در سوره‌ي حمد مي‌خوانيم «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعين**»[[7]](#footnote-7)‏ «**إِيَّاكَ نَسْتَعين»** يعني خدايا من فقط از تو كمك مي‌خواهم. در اينجا هم كه مي‌گوييم «**أَعُوذُ بِاللَّه‏»** به تو پناه مي‌برم. اين كمك خواستن و پناه بردن، خيلي به هم نزديك هستند؛ ولي يك فرق ظريفي باهم دارند. اين فرق ازنظر روان‌شناسي هم چقدر نكته‌ي زيبايي دارد كه اجمالاً به آن مي‌پردازم.

#### وجه تمایز این دو کلمه

گاهي در زندگي گاهي كمك مي‌خواهيم و گاهي پناه مي‌بريم. جايي هم كه پناه مي‌بريم درواقع نوعي كمك خواستن است؛ اما فرق اين دو در اين است كه یک‌وقتی انسان مي‌خواهد كاري انجام دهد كه به‌تنهایی نمي‌تواند و از كسي كمك مي‌گيرد. اين استعانت و ياري جست و طلب كم كردن است كه كاري را انسان مي‌خواهد انجام دهد، هدفي دارد كه مي‌خواهد به آن برسد كه به‌تنهایی نمي‌تواند. در اينجا انسان از خداوند كمك مي‌خواهد. در توكل به خدا هم نوعي كمك خواستن است كه فرق توكل و استعانت را هم بعداً اشاره خواهم كرد. بنابراين كمك خواست يك امر كلي است كه به‌تنهایی نمي‌تواند كاري را انجام دهد و نيازمند به همراه و ياري است و از ديگري درخواست كمك مي‌كند. كسي بايد او را در اين امر بايد كمك كند. اين استعانت است. در سوره‌ي حمد از خداوند مي‌خواهيم كه «**إِيَّاكَ نَسْتَعين»** كه فقط از تو كمك مي‌خواهيم. كسي كه مي‌تواند در هر فعاليتي يار انسان باشد، خداست؛ اما در استعاذه كه به معناي پناه بردن و پناه‌جويي است. در اينجا درواقع وقتی‌که به كسي پناه مي‌بريم، كمك هم مي‌خواهيم؛ ولي اين با يك عنايت بيشتري است. جايي است كه خطري متوجه انسان است. استعاذه يك درجه‌ي مهم‌تري از استعانت است. استعاذه درجایی است كه انسان درخطر قرارگرفته است. شر و خطري انسان را تهديد مي‌كند. آن‌وقت انسان در موقع خطر، درست است كه از او كمك مي‌خواهد ولي اين كمك خواستن، ويژه است و همراه با استعاذه است و پناه می‌برد؛ مانند زماني كه كودكي مي‌خواهد غذايي بخورد و از مادر خود كمك مي‌خواهد این استعانت است. مادر به او کمک می‌کند؛ اما زمانی است که خانه در معرض خطری قرار گرفته و کودک در برابر خطر قرار گرفته است و عامل وحشتناکی او را تهدید می‌کند و در برابر این خطر، به مادر پناه می‌برد تا کمک بگیرد. این پناه بردن برای کمک گرفتن، با استعانت فرق می‌کند. این زمانی است که انسان در خطر قرار گرفته است. آیه‌ی بسیار زیبایی در قرآن کریم هست که می‌فرماید: «**فَفِرُّوا إِلَى اللَّه**‏»[[8]](#footnote-8) این آیه را گاها در برخی از سخنرانی‌ها می‌خوانم. این جمله‌ی بسیار تکان‌دهنده‌ای است. به همه‌ی مردم می‌‌فرماید: ای مردم به‌سوی خدا فرار کنید. فرار هم جایی است که به دنبال فرار استعاذه می‌آید.

استعانت زمانی است که به‌تنهایی از عهده‌ی کاری برنمی‌آید و از کسی کمک می‌گیرد؛ اما زمانی هم هست که خطری به سراغ انسان می‌آید که به‌تنهایی نمی‌تواند از این خطر رهایی پیدا کند، در اینجاست که با خطر مواجه می‌شود و از خطر فرار می‌کند و چون به‌تنهایی نمی‌تواند از پس خطر بربیاید، به چیز یا کسی پناه می‌برد تا او را تحت حمایت خود قرار دهد که به این استعاذه می‌گویند.

#### ارکان اصلی استعاذه

استعاذه سه رکن دارد؛ این‌که انسان در برابر خطری می‌بیند؛ از خطر فرار می‌کند و چون به‌تنهایی از خطر نمی‌تواند رهایی پیدا کند به کسی یا چیزی پناه می‌برد. مثلاً در بیابانی گرگی به او حمله می‌کند و فرار می‌کند و وارد اتاقی می‌شود و در را می‌بندد. این استعاذه است. استعاذه یعنی خطری انسان را تهدید کند و به‌تنهایی نتواند خطر را رفع کند، به کسی یا چیزی پناهنده می‌شود که از خطر او را حفظ کند. این سه امر که پیدا شد، پدیده‌ای به نام استعاذه در روح انسان پدید می‌آید. خطر را می‌بیند. به‌تنهایی از عهده‌ی خطر برنمی‌آید. جایی یا کسی یا چیزی را سراغ دارد که می‌تواند به او کمک کند. این سه امر هر جا جمع شود، در روح ما حالتی پیدا می‌شود که به این حالت استعاذه و پناه‌جویی می‌گویند. در بیابان اولاً گرگ را می‌بیند که با شدت به سمت او حمله‌ور است. به‌تنهایی نمی‌تواند از خود دفاع کند و خطر را دفع کند. کسی یا مکانی را می‌بیند که می‌تواند او را از این خطر رها کند. این سه امر که محقق شود، به این حالت، پناه خواهی، حمایت جویی می‌گویند. این‌که انسان خود را در کنف حمایت دیگری قرار بدهد. کودکی می‌بیند که حیوانی وارد خانه شد و می‌بیند که خودش نمی‌تواند از خطر خود را حفظ کند. مادر را می‌بیند و به او پناه می‌برد و مادر او را نجات می‌کند. در این موقع سریعاً فرار می‌کند و به‌جایی می‌رود که او را نجات پیدا کند. شخص یا جایی که انسان را از خطر حفظ می‌کند و از او حمایت می‌کند، مستعاذ به هست.

در موقعیت‌های پناه بردن، سه رکن اصلی وجود دارد. این در تفسیر ملاصدرا که از تفاسیر خیلی مهم هست در جلد اول، بحث‌های مهی در باب استعاذه دارد که من به آن‌ها اشاره نمی‌کنم؛ اما این نکته هست که اولاً یک پناه‌جو وجود دارد. دوما انسان از یک خطر یا ضرر و گرفتاری و تهدیدی فرار می‌کند که مستعاذمنه است و یک نقطه‌ای است که انسان به آن پناه می‌برد که به آن مستعاذبه می‌گویند. بنابراین در قرآن کریم شما این کلمات را که ببینید در سوره‌ی حمد استعانت را به کار می‌برد. استعانت یک مفهوم عام است. الزاماً آنجا خطری انسان را تهدید نمی‌کند. هم اینجا را در برمی‌گیرد و هم‌جایی را که خطری هم نیست را در برمی‌گیرد. کمک گرفتن و استعانت عام است. هم در موقعیت‌های خطری هست و هم در موقعیت‌های معمولی و جایی که انسان می‌خواهد کاری انجام دهد و به‌تنهایی نمی‌تواند. این معنای استعانت است. اما هفت هشت کلمه در قرآن هست که مال موقعیت خطر هست. یکی فرار است. یکی استعاذه است و مفاهیم دیگری هست که در هفته‌های آینده می‌گویم. اصل استعاذه هم این است که انسان درخطر قرار گرفته باشد. کودک در مقابل خطری است که به‌تنهایی نمی‌تواند خود را نجات دهد و به مادر پناه می‌برد. این پناه بردن به گفتن نیست؛ بلکه باید خطر را ببیند یا حس کند و بعد احساس کند که نمی‌تواند به‌تنهایی خطر را دفع کند و بعد احساس کند که آن شخص یا آن مکان می‌تواند او را از خطر، نجات دهد. وقتی این سه حالت پیش آمد استعاذه گفته می‌َشود. در این صورت حالت استعاذه به انسان دست می‌دهد که در سوره‌ی فلق و ناس آمده است. این استعاذه با استعانت فرق می‌کند و یک‌چیز مخصوصی است.

### لزوم درک خطرهای روحی و جسمی در پناه‌ بردن

در قرآن کریم پیامبر اکرم(ص) مأمور شده که پناه ببرد یا این‌که بگو پناه می‌برم که این گفتن هم گفتیم که خیلی اثر دارد؛ ولی اصل پناه بردن هم یک واقعیتی است که باید در عمق روح انسان، تجسم پیدا کند. واقعیت این است که انسان بدی‌های عالم را درک کند و بفهمد. باید خطرهای جسمی و مادی و روحی و معنوی را بفهمد. انسان در این زمین و در کره‌ی خاکی هیچ‌گاه در امنیت از خطرها نیستند. دائماً خطرها هستند و ممکن است که ما از آن‌ها غافل باشیم. باید این خطرها را حس کند و بعد هم بداند که در برابر این مرض‌ها و خطرهای مادی و معنوی، به‌تنهایی از دست ما کاری ساخته نیست و بدانیم که همه‌ی امور به دست خداست.

### سه اعتقاد نهفته در پناه بردن

پیامبر اکرم(ص) در جای‌جای قرآن کریم مأمور شده که پناه بردن به خدا را به زبان جاری کند. یعنی پناه بردن به خدا ضمن این‌که به زبان جاری می‌شود اما باید بدانیم که عمق این پناه بردن، اعتقاد به سه امر است. اعتقاد به این‌که ما همواره در این عالم خاکی در معرض خطرهای مادی و بلاها و آفت‌ها و وسوسه‌های شیطانی هستیم. این اولین اعتقاد است که انسان مؤمن به این اعتقاد دارد که ما دائماً در معرض خطرهای مادی و معنوی هستیم. دومین باور این است که به‌تنهایی نمی‌توانیم از عهده‌ی خطرها برآییم. به‌تنهایی نمی‌توانیم خود را از این‌همه خطرها و امواج طوفانی خطرها نجات دهیم. اعتقاد سوم هم توحید و خداست. خدای عالم است که می‌تواند ما را در پناه خود قرار دهد و زیر خیمه‌ی خود قرار دهد و دست ما را بگیرد و ما را یاری کند. این هم اعتقاد توحید است. اگر این سه اعتقاد باشد، واقعاً گفته می‌شود به خدا پناه می‌برم. پناه بردن زبانی خوب است و ارزش هم دارد و در روح هم اثر می‌گذارد ولی کمال استعاذه این است که این سه رکن اعتقادی در عمق روح او وجود داشته باشد. ما همواره در برابر خطرها و هوای نفس و بلاها قرار داریم. ما باید به این باور داشته باشیم. باور کنیم که به‌تنهایی در برابر خطرها و تهدیدها نمی‌توانیم مقاومت کنیم. حمایتی لازم است توفیقی باید دست ما را بگیرد و بدون آن نمی‌شود. سوم این‌که بدانیم خداست که همه‌ی امور و قدرت‌ها به دست اوست و او تنها کسی است که می‌تواند ما را در این خطرها و ستیزها و طوفان‌های متلاطم شیطانی حمایت کند. این به این سادگی نیست.

### پیامبر اکرم(ص) پناه ‌برنده‌ی اصلی به پروردگار

پیامبر اکرم(ص) مأمور به گفتن اعوذ بالله است. خطاب فقط متوجه پیامبر اکرم(ص) است. حقیقت استعاذه فقط از پیامبر اکرم(ص) برمی‌آید. از ما فقط درجات پایین استعاذه صادر می‌َشود؛ چون درک ما نسبت به این مطلب محدود است. هر چه درک انسان بیشتر شود، پناه بردن به خدا زیادتر می‌شود. این دو سوره‌ای است که پیامبر اکرم(ص) مأمور گفتن «**أَعُوذُ بِاللَّه»** شده است. به خدا پناه می‌برم. در آیات دیگر قرآن، هم پیامبر و هم دیگران استعاذه داشته‌اند که به موارد آن بعداً اشاره خواهم کرد. مهم‌ترین و جامع همه‌ی آن‌ها آیه‌ی اول سوره‌ی فلق است. «**قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ الْفَلَقِ\*مِن شَرِّ مَا خَلَق**»**[[9]](#footnote-9)** در عالم خلقت، شر و بدی و شیطنت و وسوسه زیاد است و باید از شر همه‌ی آن‌ها به خدا پناه برد. امیدواریم که خداوند همه‌ی ما را در پناه حمایت خود در همه‌ی مراحل زندگی قرار دهد و دست ما را در همه‌ی این خطرها بگیرد و ما را از همه‌ی این شرور ظاهری و باطنی نجات بدهد. انشا الله.

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»[[10]](#footnote-10)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[11]](#footnote-11)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما و خودم را به تقوا و پارسایی توصیه می‌کنم. امیرمومنان علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید **اُوصیَکُم عبادَالله بِتَقوَی الله** شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم. شما را از فریب دنیا بر حذر می‌دارم. دنیا جای رفتن است. دنیا جای غم‌ها و غصه‌هاست. ساکنان آن اجاره نشینان موقت این عالم هستند و رو به فنا می‌روند. حوادث دنیا مانند طوفان‌هایی است که شما را در بر گرفته است. در طوفان حوادث دنیا، برخی غرق می‌شوند و گروهی هم نجات پیدا می‌کنند. طوفان‌های شیطنت‌ها و هواها و وسوسه‌ها، همه‌ی شما را در بر گرفته است. در دل این امواج و طوفان‌ها گروهی غرق می‌شوند و نابود می‌شوند و گروهی هم نجات پیدا می‌کنند. پس تلاش کنیم تا از نجات‌یافتگان در این مهلکه‌ی بزرگ دنیا باشیم. ان‌شاالله همه‌ی ما را در این مسیر پر خطر، کمک کند.

## شهادت امام جعفر صادق(ع)

در هفته‌ی آینده شهادت پیشوای مذهب و ششمین ستاره‌ی فروزان آسمان ولایت و امامت،حضرت امام جعفر صادق(ع) است. شهادت آن حضرت بنا بر قول مشهور در 25 شوال است. شهادت امام صادق(ع) ضربه‌ی مهمی بر عالم تشیع بود و نقشی که امام صادق(ع) در رواج و گسترش معارف شیعه ایفا کرده‌اند، نقش بی‌بدیلی بود.

### امام صادق(ع) و گنجینه‌ی غنی شیعه

بخش عمده‌ای از روایات شیعه در مسائل فقهی، اخلاقی و بخش‌های دیگر معارف شیعه به امام باقر و امام صادق(ع) برمی‌گردد. سایر ائمه: چنین فرصت خوب و مناسبی را پیدا نکردند. در زمان امام باقر و امام صادق(ع) به دلیل فرصتی که پیدا شد و به دلیل جریان‌های مختلف فرهنگی و فقهی و حدیثی و فکری که در جهان اسلام پدید آمد و آزادی‌های نسبی که خاندان رسالت و این دو امام بزرگوار پیدا کردند، موجب این شد که به تبلیغ بیشتر اسلام و نشر گسترده‌تر معارف اسلامی بخصوص در قلمرو فقه و مبانی فقهی شیعه بپردازند. ما در برابر این دو امام، باید از خضوع بیشتری برخوردار شویم و اظهار ارادت بیشتری کنیم؛ چون بخش عمده‌ی گنجینه‌ی غنی امروز شیعه، میراث این امام بزرگوار است. ما سلام و درود خود را تقدیم روح ملکوتی و بزرگ و الهی امام صادق(ع) می‌کنیم و امیدواریم که خداوند بر معرفت ما نسبت به آن حضرت و معارف آن حضرت روز به روز بیافزاید.

### رابطه‌ی مذهب جعفری با امام صادق(ع)

نقش امام صادق(ع) تا جایی است که مذهب ما به‌عنوان مذهب جعفری شناخته شد؛ برای این‌که ازلحاظ فرهنگی، علمی و فکری مهم‌ترین نقطه‌ی عطف در تاریخ زندگی پیشوایان و معصومین ما زندگی امام باقر و امام صادق(ع) است. در اینجاست که ما می‌بینیم که معارف شیعه به اوج می‌رسد و به همین دلیل، مکتب جعفری نامیده شده است. شهادت این امام بزرگوار را تسلیت عرض می‌کنم و همین‌جا توصیه می‌کنم که مناسب است که در مساجد و مراکز تبلیغی و فرهنگی، شهادت امام صادق(ع) به‌صورت ویژه‌ای با سخنرانی‌ها و مدیحه‌های درست و سنجیده گرامی داشته شود و فضایی فراهم شود که نسل امروز ما با آن دریای معارف اهل‌بیت: که درصد بالای آن از زبان این امام صادرشده، آشنا شوند. امیدواریم که ما توفیق شناخت به معارف و روایاتی که از آن حضرت صادرشده، عنایت بفرماید.

## روز جهانی معلولان

نکته‌ی دیگر روز جهانی معلولان است که من به‌صورت کوتاه در باب مقوله‌ی معلولان در جامعه، توضیحاتی عرض می‌کنم و علت آن این است که یکی از وظائف اجتماعی و اخلاقی ما این است که نسبت به همه‌ِی کسانی که به نحوی نیازی دارند، حمایت کنیم و در حد توان خود به یاری کسانی که نیازمند هستند بیاییم و به نحوی از آن‌ها حمایت کنیم. این وظیفه‌ی مشترک دولت و عموم جامعه و همه‌ی کسانی که امکاناتی در اختیار دارند، خواهد بود.

### لزوم جداسازی معلولان جسمی از معلولان ذهنی

یک طبقه‌ای که ما در جامعه باید به آن‌ها کرامت قائل باشیم، کسانی هستند که به‌نوعی معلولیت دارند که به دلایلی دچار مشکلی شده‌اند؛ البته معلولیت‌ طیفی هستند که بسیاری از آن‌ها معلولانی هستند که معلولیت‌های مختصری دارند و به لحاظ شخصیتی و توانایی‌های ذهنی، افراد برازنده‌ای هستند که باید از طیف بیماران ذهنی و معلولان ذهنی جدا شوند. یک وظیفه ملت و دولت در برابر کسانی دارند که معلولیت ذهنی دارند که به دلایل مختلف دچار این معلولیت شده‌اند. آن‌یک مقوله است که باید بهزیستی و نهادهای دولتی کمک کنند و اقداماتی هم کرده‌اند و مؤسسات خیریه‌ای هست که کارهای خوبی کرده‌اند. در همین شهر برخی از مؤسسات هست که از معلولان نگهداری می‌کنند چه بیماران شهر خودمان و چه از شهرهای دیگر می‌آیند. آن‌یک کاری است که کسانی که می‌توانند و دولت هم باید برنامه‌ریزی کند که معلولان موردحمایت خاص قرار بگیرند. آن‌یک وظیفه‌ی ماست که باید به آن توجه کنیم؛ اما یک وظیفه‌ی مهم‌تر در قبال کسانی است که نقص‌هایی دارند؛ نابینا هستند یا معلولیت جسمی دارند که در کشور ما حدود 2 درصد به‌عنوان معلول شناخته‌شده‌اند و در منطقه‌ی ما با معنای عام آن حدود 2000 نفر داریم که به نحوی باید موردتوجه قرار بگیرند. قریب 1000 نفر از این مجموعه، از بهزیستی و نهادهای حمایتی، کمک می‌شوند و 400 نفر هم به‌صورت مستمری بگیر هستند که از بهزیستی کمک می‌شود و کمی هم که دولت به این‌ها می‌کند، کمک ناچیزی است. واقعاً انتظار می‌رود که در دولت برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند و امیدواریم که مستمری آن‌ها به نحوی جبران شود. درهرحال این خدماتی است که دولت ارائه می‌دهد. مؤسساتی هستند که کمک‌های مردمی را مدیریت می‌کنند. افراد خیری هستند که در این زمینه فعالیت می‌کنند که امیدوارم خداوند متعال به آن‌ها عنایت داشته باشند.

### وظیفه‌ی معلولان در قبال خود

من نکته‌ای را می‌خواهم عرض کنم و آن این است که بحث معلولان در جامعه نه معلولان ذهنی، کسانی که به نحوی توانایی ندارند، بحثی است که باید موردتوجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه قرار بگیرد. در اینجا اولاً وظیفه‌ی خود معلولان این است که بر خود اعتماد کنند و احساس شخصیت کنند و بدانند که ما بسیاری از بزرگان تاریخ بوده‌اند که معلول بوده‌اند. گاهی یک شخص معلول، از یک فرد عادی درخشش بیشتری دارد. این‌یک مطلب است که در خانه‌ها برای کسانی که معلولیتی دارند باید ترویج شود و خود کسانی هم که معلولیتی دارند بدانند که در‌های دنیا به روی آن‌ها بسته نشده است؛ بلکه خداوند می‌تواند درهای بهتری را به روی آن‌ها باز کند. بر خود اعتماد کنند احساس شخصیت کنند. اگر دختر یا پسری مبتلای به نقص عضوی است، خود او طوری تریپت شود که احساس شخصیت و اعتماد به ذات و خود در او تقویت شود. این‌یک وظیفه‌ای است که باید خانواده‌ها انجام دهند و خود معلولان، احساس شخصیت کنند.

### وظیفه‌ی جامعه و مسئولان در قبال معلولان

مطلب دوم جامعه است. جامعه در قبال معلولان نباید با نگاه تحقیرآمیز به آن‌ها نگاه کند. باید کرامت آن‌ها را حفظ کند و حمایت‌های لازم را از آن‌ها داشته باشد. همین‌طور مسئولان جامعه باید هم کرامت آن‌ها را حفظ کنند و هم تلاش کنند تا در حد امکان از آن‌ها حمایت کنند که در این حمایت چند امر مهم وجود دارد. یکی این‌که فضاهای اداری، خیابان‌ها، کوچه‌ها و فضاهای عمومی طوری طراحی شود که کسانی که معلولیتی دارند راحت‌تر بتوانند رفت‌وآمد کنند. این بسیار کار مهمی است که باید انجام شود. اخیراً هم جامعه‌ی معلولان هم با مسئولان جلسه‌ای داشتند و تصمیم بر این شد که به‌تدریج، شهرداری و ادارات فکری برای راحتی رفت‌وآمد معلولان کنند. خواهشم این است که مسئولان شهر این قضیه را مهم بشمارند و در یک فرایند یکی‌دوساله زمینه را برای رفت‌وآمد معلولان، فراهم کنند. پس یک وظیفه‌ی فرهنگی است که به آن‌ها شخصیت بدهیم و کرامت آن‌ها را حفظ کنیم و آن‌ها را تحقیر نکنیم. وظیفه‌ی دیگر فراهم کردن آسایش در اداره و شهر و مناطق مختلف است.

### تأمین نیازهای شغلی، فرهنگی معلولان

وظیفه‌ی دیگر فراهم کردن اشتغال، تأمین نیازهای فرهنگی، کتابخانه و امثال این‌ها هم نکاتی است که امیدواریم مسئولان در این زمینه‌ها هم تلاش کنند. وظائف حمایتی هم بهزیستی و سازمان‌ها و مؤسسات خیریه می‌توانند داشته باشند که آن‌ها هم ان‌شاءالله به وظایف خود عمل کردند و بیشتر عمل کنند. من به این عزیزان این روز را تبریک می‌گویم و هم تشکر می‌کنم از عزیزان بسیار خوبی که جامعه‌ی معلولان را در شهر تأسیس کردند و قدم‌های خوبی در مسائل فرهنگی، اشتغال و سایر مسائل انجام داده‌اند. واقعاً باید تشکر کرد و سپاس گذار بود از عزیزانی که به نحوی در این زمینه حضور دارند؛ بخصوص که ما در جامعه قشر جانباز را داریم که از عزیزترین قشرهای ما هستند و بحمدالله فعال هستند و برای کرامت و حمایت و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات آن‌ها همه‌ی ما وظیفه داریم و روز جهانی معلولان همه‌ی ما را به این وا دارد که تفکر بیشتری در این زمینه داشته باشیم.

### رعایت مسائل بهداشتی و ژنتیکی

بحمدالله ما با کنترل فلج اطفال و رعایت مسائل ژنتیکی مقداری معلولیت‌های ذهنی هم کنترل شده اما باز هم 50 درصد معلولیت‌های ما ذهنی است که به خاطر عدم رعایت بهداشتی و مسائل ژنتیکی است که باید در این زمینه هم قدم‌هایی برداشته شود. بحث واکسن و رعایت بهداشت و رعایت مسائل ژنتیکی در ازدواج و توجه به آن امور و در کنار این‌ها مناسب‌سازی فضا و آن نکاتی که اشاره شد، این هفت هشت نکته‌ی اصولی است که ما در قبال این قشر داریم. عمده این است که اگر معلولان ذهنی را کنار بگذاریم بقیه‌ی کسانی که معلولیتی دارند، چه جانبازان و چه غیر آن‌ها این است که خودشان باید احساس شخصیت کنند و سعی کنند که گلیم خود را خودشان از آب بیرون بکشند؛ البته باید خیرین و جامعه هم باید کمک کند.

## خودکفایی گندم و اهمیت آن

من باید به مردم و دولت و برنامه‌ریزان خودمان تبریک بگویم که در بحث تولید گندم به خودکفایی رسیده‌ایم. گندم از کالاهای استراتژیک در دنیاست. دولت‌ها روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و ملت‌ها به آن عنایت دارند. در مواقع صلح و جنگ و در همه‌ی مواقع این حداقل مواد غذایی است که اگر در یک کشور این تولید شود یک امر راهبردی و کلان و بسیار مهم است. هم بعد اقتصادی مهمی دارد و هم ابعاد سیاسی و اجتماعی مهمی دارد. در طول این سال‌ها و افزایش دو برابری جمعیت و مسائل فراوانی که داشتیم، در این خودکفایی تأخیر داشتیم. در سال اخیر بود که بیش از 11 میلیون تن تولید داشتیم و به مرز خودکفایی رسیده‌ایم و باید تقدیر و تشکر کرد و این واقعاً یک جشن بزرگ دینی و ملی برای ماست.

### ادامه‌ی روند خودکفایی در سایر محصولات صنعتی و کشاورزی

باید این روند خودکفایی را در بحث تولیدات کشاورزی و گندم و همین‌طور در مقوله‌ی صنعتی طی کنیم. همت و عزم ما باید بر این باشد که در کشاورزی و صنعت اهل کار و سرمایه‌گذاری باشیم. بدانیم که این کشور باید روی پای خود بایستد. بدانیم که اگر ما کار و تلاش و سرمایه‌گذاری نکنیم و درست تدبیر نکنیم، در مقابل کشورهای مستکبر مقلوب خواهیم شد. ما باید مشکلات را خودمان برطرف کنیم. قدم‌های بزرگی برداشته‌شده است. جشن خودکفایی گندم و مانند آن در نفت و پارس جنوبی که بسیار کار بزرگی برای کشور بود که متخصصان خود ما به آن رسیده‌اند و در قلمروهای دیگر هم همین‌طور ما باید این روحیه را در کارخانه‌ها، مدارس، کشاورزی و همه‌جا باید متجلی شود.

### وضعیت تولیدات کشاورزی در شهر

خوشبختانه در شهر ما هم که کم آب است و وضع خودش را دارد ولی گزارشی که مسئولان جهاد کشاورزی می‌دادند، گزارش دلگرم‌کننده‌ای است که علیرغم کم‌آبی، در تولید گندم رقم خوبی بوده است. 5000 هزار تن تولید کل است که 200 تن آن توسط دولت و جهاد کشاورزی خریداری شده است. این نشان می‌دهد که ما تأکیدی که ما روی صنعت می‌کنیم، جای خود است و باید رشد صنعتی داشته باشیم اما حفظ این مقدار از تولیدات کشاورزی چه در قالب گندم و چه باغاتی که در شهر داریم که برای زندگی درست ما لازم است. امیدوارم که هم مردم همت کنند و در مقوله‌ی کشاورزی بهسازی شود و بهره‌وری درستی انجام شود و هم مسئولان هم تدبیری کنند و اداره‌ی تعاون روستایی هم در شهر راه بیافتد تا برخی از مشکلات هم کاسته شود. به‌هرحال بحث حفظ کشاورزی و توسعه‌ی آن در حدی که امکان دارد و استفاده‌ی بهینه از زمین و آب تلاش شود. من تشکر می‌کنم از همه‌ی کسانی که در این امر فعالیت می‌کنند. باید به امر کشاورزی، باغات و فضای سبز باید اهتمام بیشتری شود که برای فضای شهر هم خوب است.

## عدم همکاری مسئولین استانی در احداث کتابخانه‌ی مرکزی

ما چند بار به کتابخانه‌ی مرکزی شهر اشاره‌ای کرده‌ایم که متأسفانه اداره‌ی کل ارشاد به ما خبری نداده است. سال‌هاست که به ما قول می‌دهند ولی اقدامی نشده است. من واقعاً اعتراض جدی مردم را با این جمعیت و دانشجو، کتابخانه‌ای به نام کتابخانه‌ی مرکزی گذاشته‌اند که اگر اسم آن را بردارند آبرومندانه‌تر است. من مکرر در خطبه‌ها تکرار خواهم کرد تا مسئولان، پروژه‌ای را در شهر شروع کنند.

## اورژانس منطقه‌ی ده آباد

نکته‌ای هم مکرر در این روزها به آن مراجعه می‌شود، اورژانس در منطقه‌ی ده‌آباد است که مردم خیلی اعتراض دارند؛ البته توجیهاتی هم مسئولان دارند ولی باید این اعتراض به مسئولان انتقال داده شود که مسئولان مردم را قانع کنند یا چاره‌ای برای بخش درمان آنجا اندیشیده شود.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی کافرون، آیه‌ی 1 و 2. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی مائده، آیه‌ی 67. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی کافرون، آیات 1 الی3. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی حمد، آیه‌ی‌ 5. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی 50. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 1 و 2. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-11)